



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ دیماه ۸۹

مصادف با: ۲۲ محرم الحرام ۱۴۳۲

جلسه: ۱۰

موضوع کلی: نزول تدریجی قرآن

موضوع جزئی: عوامل تدریج در نزول

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در عوامل تدریج در نزول قرآن بود و عامل اول را عرض کردیم که دلداری و تقویت روحیه پیامبر بود.

#### وجه دوم:

##### راهنمایی و پاسخ گویی به نیازهای مسلمین :

جامعه مسلمین یک جامعه نوپیا بود که تازه شکل گرفته بود و از جهات مختلف دچار مشکلاتی بود، هنوز آمادگی پذیرش مقررات جدید در آن جامعه فراهم نشده بود، بسیاری از احکام به تدریج و بعد از گذشت مدت زمانی برای مردم بیان شد و بعضی از احکام هم به صورت مرحله‌ای بیان شد، اگر میخواست همه مقررات و دستورات، برای جامعه‌ای که هنوز رسوبات فرهنگ جاهلی را داشت، یکجا بیان شود، پذیرش آن دستورات برای مردم مشکل بود لذا این دستورات به دو شکل بیان شد، بعضی از دستورات به صورت چند مرحله‌ای بیان شد مثل: تحریم شرب خمر، بعضی از دستورات با اینکه یک مرحله‌ای بود ابتداءً بیان نشد و بعد از گذشت مدتی بیان شد مثلاً: در مورد زنا، تحریم زنا دفعی بیان شد و چند مرحله‌ای نبود ولی ابتداءً بیان نشد و بعد از گذشت مدتی بیان شد.

در یک مواقعی جامعه گرفتار بن بست‌هایی میشد و مردم نیاز به راهنمایی داشتند و این راهنماییها بواسطه نزول وحی از طرف خداوند برای مردم بیان میشد.

پس تدریج در نزول باعث شد که کمکم زمینه پذیرش را در مردم فراهم کند و هم مشکلات مردم را حل کند و هم روحیه مسلمین را تقویت کند همانطور که خود پیامبر نیاز به دلداری و تقویت روحیه داشت مسلمین هم نیاز به دلداری و تقویت روحیه داشتند و تدریج در نزول قرآن سبب این تقویت روحیه میشد.

#### وجه سوم:

##### آسان کردن حفظ قرآن:

بعضی گفته‌اند: یکی از جهات تدریج در نزول قرآن، آسان کردن حفظ آیات قرآن است. یعنی تدریجی نازل شدن قرآن برای این بوده که حفظ کردن آیات الهی برای پیامبر آسان باشد. میگویند: پیامبران سابق خواندن و نوشتن میدانستند و اگر دستورات الهی یکجا هم بر آنها نازل میشد آنها به واسطه خواندن و نوشتن میتوانستند آنچه را بر آنها نازل شده بود،

حفظ کنند اما پیامبر اسلام(ص) خواندن و نوشتن نمیدانست لذا قرآن به تدریج نازل شد تا حفظ آیات اولاً برای پیامبر(ص) و ثانیاً بر مردم آسان باشد.<sup>۱</sup>

### اشکال:

این کلام اشکال دارد و آن این است که پذیرش اینکه تدریج در نزول، بخاطر آسان شدن حفظ آیات الهی بوده، ناتوانی پیامبر را در حفظ آیات قرآن ثابت میکند، و این با مقام نبوت سازگار نیست، زیرا در حفظ آیات قرآن ضرورت ندارد که پیامبر حتماً خواندن و نوشتن بلد باشد چون وقتی آیات بر قلب پیامبر نازل میشده معنا ندارد که بگوئیم تدریج، در آسان بودن حفظ آیات برای پیامبر دخالت داشته است، علاوه بر این، پیامبر قبل از بعثت خواندن و نوشتن نمیدانست اما بعد از بعثت، خداوند به پیامبر آنچه را نمیدانست تعلیم داد «وعلمک ما لم تکن تعلم»<sup>۲</sup> خداوند در این آیه شریفه میفرماید: ما به تو تعلیم دادیم آنچه را نمیدانستی. البته بعضی میگویند: پیامبر قبل از بعثت خواندن و نوشتن نمیدانست ولی بعد از بعثت خواندن میدانست ولی نوشتن میدانست و بعضی دیگر گفتهاند: پیامبر خواندن و نوشتن را بلد شد ولی مأمور بود به اینکه از خواندن و نوشتن استفاده نکند، پس آسان شدن حفظ آیات، دلیل بر تدریجی بودن نزول قرآن نمیشود.

### اهمیت شناخت اسباب نزول:

در باب اهمیت شناخت اسباب نزول قرآن مهم است که بدانیم چرا ما باید اسباب نزول آیات و سُور را بشناسیم مقدمه‌عرض میکنیم که:

۱- در هر علمی توجه به انگیزهها، عوامل، اهداف و اغراض در هر مسئله‌ای از مسائل آن علم، مهم است. در حوادث تاریخی وقتی که میخواهیم یک حادثه تاریخی را تحلیل کنیم نمیتوانیم آن حادثه را مجرد از عوامل بوجود آورندهی آن حادثه ارزیابی بکنیم، در مطالعات اجتماعی، در علوم ادبی، در فقه، اصول و... توجه به ریشههای بوجود آمدن مسئله آن علوم، مهم است. در مورد قرآن هم مطلب همین است، یعنی با توجه به اینکه نزول تدریجی قرآن را پذیرفتیم و با توجه به اینکه معلوم شد وجوه تدریج در قرآن چه چیزهائی است، اینکه در حوادث و مناسبتها و مشکلات و مصیبت‌هائی که برای پیامبر و مسلمین پیش می‌آمد آیاتی از قرآن نازل میشد تا هم تقویت روحیه باشد برای پیامبر و مسلمین و هم راه گشای نیازها و مشکلات آنان باشد، وقتی این امور را بپذیریم طبیعتاً نیاز به فهم اسباب نزول اهمیت مضاعف پیدا میکند. پس در مجموع به طور طبیعی در همه علوم، ریشهیابی علل مسائل علم و مطالبی که در یک علم مطرح میشود مهم است. قرآن هم به عنوان یک کتاب علمی که مشتمل بر همه چیز اعم از احکام، اخلاق، قصص و غیره میباشد مستثنی نیست.

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. نساء، آیه ۱۱۳.

۲- به علاوه اینکه یک عامل دیگری که باعث اهمیت شناخت اسباب نزول در قرآن میشود مسئله تدریج در نزول قرآن است که این عامل، یک عامل مستقلی است از عامل اول، زیرا عامل اول عمومی است و در همه علوم ریشهایی علل مسائل آن علم لازم است ولی مسئله تدریج در نزول، خاص قرآن است که ما در قرآن تدریج در نزول را داریم و تدریج هم به این است که در مناسبتهای مختلف آیات الهی بر پیامبر نازل شده است. سیوطی در اسباب النزول میگوید: تفسیر کتاب خدا برای کسانی که اسباب النزول را نمیدانند حرام است.<sup>۱</sup> یعنی اگر کسی بدون توجه به اسباب نزول بخواهد قرآن را تفسیر کند کار حرامی انجام داده است و یا واحدی در اسباب النزول میگوید: شناخت تفسیر آیات قرآن بدون وقوف بر قصه و چگونگی نزول آنها امکان ندارد.<sup>۲</sup>

**سؤال:** عدهی زیادی از آیات قرآن اسباب نزول ندارند، در تفسیر آن آیات تکلیف چیست؟

**استاد:** درست است که بسیاری از آیات قرآن اسباب نزول ندارند، مثل آیات مربوط به قصص انبیاء، اما آنچه گفته شد دربارهی آیاتی است که اسباب نزول دارند که بعداً به راه شناخت آن آیات اشاره خواهیم کرد، پس اهمیت شناخت اسباب نزول مربوط به آیاتی است که اسباب نزول دارند و هیچ شک و تردیدی نیست که فهم صحیح آیات الهی مبتنی بر دانستن سبب یا شأن نزول آیات است و کسانی که به این مطلب توجه نکنند قطعاً در تفسیر آیات دچار اشتباه خواهند شد. اکنون من باب نمونه برای اینکه روشن شود آشنایی با سبب نزول یا شأن نزول آیات قرآن تا چه اندازه در فهم صحیح آیات دخیل است به یک مورد اشاره میکنیم:

**نمونه:**

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا».<sup>۳</sup>

در این آیه تعبیر «لا جناح» بکار رفته، اشکال شده: با اینکه سعی، از ارکان حج و عمره است چرا خدا فرموده: «لا جناح» که «لا جناح» دلالت بر جواز میکند یعنی اینکه سعی بین صفا و مروه جایز است و وجوب ندارد کنایه از اینکه میشود آن را ترک کرد.

پس از ظاهر آیه جواز سعی فهمیده میشود اما اگر به شأن نزول آیه دقت شود معلوم میشود که اینجا، در مقام بیان جواز سعی نیست، شأن نزول آیه این است که بعد از صلح حدیبیه در سال ۶ هجری، پیامبر و اصحاب برای مراسم عمره به مکه مشرف شدند، در قراردادی که بین پیامبر و مشرکین امضاء شده بود آمده بود که مشرکان به مدت سه روز بتهای خود را از اطراف خانهی کعبه و کوه صفا و مروه بردارند تا مسلمانان در انجام مراسمشان آزاد باشند، مشرکین در طی این سه روز بتها را برداشتند و مسلمانان در این سه روز مراسمشان را انجام دادند، عدهای از مسلمانان دیر رسیدند یعنی بعد از سه روز

۱. اسباب النزول (سیوطی)، ص ۲.

۲. اسباب النزول (واحدی)، ص ۳.

۳. بقره: ۱۵۸.

رسیدند که کفار و مشرکین بتها را به جای اول برگردانده بودند کسانی که دیر رسیده بودند هنوز سعی انجام نداده بودند، تصور کردند که با وجود این بتها، سعی بین صفا و مروه اشکال دارد، این آیه نازل شد تا مسلمانان سعی را ترک نکنند، یعنی در واقع «لاجناح»، برای بیان جواز نیست بلکه در مقام رفع توهّم حظر بوده، چون مسلمانان توهّم کردند که انجام سعی با وجود بتها معصیت است و نباید انجام دهند این آیه نازل شد تا این توهّم را برطرف کند، پس با دقت در شأن نزول آیه میفهمیم که آیه میخواهد بگوید: انجام سعی اشکال ندارد ولی نه اینکه اگر انجام هم ندادی باز هم اشکال ندارد. پس این آیه مربوط به زمان خاص است و عمومیت ندارد.

**بحث جلسه آینده:** طرق شناخت اسباب نزول خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»